

نهاد فراملیتی کشاورزی (4)

خودباوری فرهنگی و اقتدار علمی، لازمه رویارویی با نهادهای تحمیلی

اسفندیار عباسی

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»

www.eabbassi.ir

توانا بود هر که دانا بود

فردوسی

در سه مقاله قبلی این گزارش توصیف شد که چگونه با طراحی زیرکانه و عملکرد برنامه ریزی شده، بنیادهای صاحب نفوذ صنعتی آمریکا با همکاری نهادهای دانشگاهی دنیا توانسته اند از یک سو نهادهای بومی مشارکت در بهره برداری از منابع آب و خاک را به نفع خود تضعیف و نابود کنند و از سوی دیگر فرهنگی رقابتی برای ایجاد انگیزه در خدمتگزاری به تجارت جهانی و تامین نیازمندی های بازارهای جهانی را در تولیدکنندگان، برنامه ریزان، سیاستگذاران و دیگر مسئولین کشورها به وجود آورند. بزرگترین درس این پدیده تاریخی-اقتصادی-سیاسی این است که نهادها هر چند سترگ و ریشه دار باشند (مثل نهاد بومی بئنه در کشور ما) می توان آنها را به نفع طراحان نهادهای جدید تغییر داد. پس نهاد فراملیتی کشاورزی، با تمام ساز و برگ صنعتی و دانشگاهی و سازمان های بین المللی حامی آن نیز را می توان به نفع ملت هایی که خواهان الگوی بومی پیشرفت اند تغییر داد.

انجام این مهم در تمامی سطوح، ملی، استانی، شهری و روستایی، قابل برنامه ریزی و اجراست. کما اینکه تلاش هایی الگوساز در اقصی نقاط جهان آغاز شده است. همان طور که نمونه های زیر، به ترتیب در کشور کوبا، هند، ایالات متحده و ایران، نشان می دهد، لازمه پی ریزی و استمرار چنین تلاش هایی آگاهی تولیدکنندگان، مصرف کنندگان، سیاستگذاران و نخبگان علمی این حوزه از نامعقول بودن رفتارها و باورهای کنونی در مصرف، تولید و سیاستگذاری است. با فزونی تعداد این تلاش های موفق، روشن می گردد که راه های مولدتر و به مراتب سالم تر و پایدارتر تولید

محصولات کشاورزی که بتواند جایگزین روش های زیانبار و پرهزینه نهاد فراملیتی کشاورزی شود وجود دارد.⁹⁹

● مورد ملی - کوبا

محلی سازی تولید و مصرف مواد غذایی در شهرها، برای تامین امنیت غذایی و صرفه جویی در انرژی

از اوایل دهه 1990 میلادی به این سو، سیاستگذاری کشاورزی در کوبا با محوریت محلی سازی تولید و مصرف مواد غذایی اتخاذ شده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کوبا بزرگترین شریک تجاری خود را از دست داد. شوروی سابق 50 درصد نفت، بخش عمده ای از مواد غذایی و 85 درصد اقتصاد تجاری کوبا را تامین می کرد. در واکنش به کمبودهای ناشی از این تغییر، از جمله کاستی های شدید غذایی، سوختی و سموم دفع آفات، مردم هر کجا که زندگی می کردند، از جمله در هاوانا (پایتخت) و دیگر شهرهای کوبا، اقدام به کشت محصولات غذایی برای مصرف خود با بهره گیری از شیوه های کشاورزی سنتی کردند. در ابتدا تلاش خودجوش مردم عادی، محرک و مجری این تحول عظیم اجتماعی و اقتصادی در کوبا بود، اما به تدریج سیاستگذاران نیز پتانسیل عظیم این حرکت مردمی در حفظ استقلال کشور در رویارویی با چالش بی سابقه تامین داخلی تمامی نیازمندی های اساسی مردم را دریافتند و از این رو در حفاظت از استمرار آن سرمایه گذاری کردند.

از منظر سیاستگذاری، اولین و مهم ترین اقدام دولت در تسهیل کشاورزی شهری، صدور مجوز برای استفاده شهروندان از اراضی متروکه و بی استفاده بود. هم اکنون بیش از دو دهه از آغاز این تلاش ملی در کوبا می گذرد و در این مدت سیاستگذاران مجموعه قوانین و خدمات جامعی برای تغییر کاربری زمین در محدوده شهرها برای مقاصد کشاورزی (تولید زراعی و دامی)، و همچنین انجام تحقیقات علمی برای ترویج کشاورزی با کود آلی در فضاهای نسبتاً کوچک به وجود آمده است. توزیع بذر مناسب، ارائه خدمات مشاوره و ترویج کشاورزی به شهروندان زارع و نیز آموزش و اطلاع رسانی به خانواده ها در مورد تغذیه سالم با محصولات تازه و محلی، بخش های مهم دیگری از سیاست های حمایتی دولت بوده است. نتیجه اینکه، کشاورزی محلی و طبیعی امروز در

کوبا قادر است از فضاهای کوچک در گوشه و کنار شهر و خانه ها بخش عمده ای از غذای مورد نیاز مردم محلات شهری را تامین کند. سیاست های اتخاذ شده علاوه بر فراهم کردن نیازمندی های اساسی مردم، به اشتغالزایی وسیع در شهرها نیز کمک کرده است. یکی از چشمگیرترین دستاوردهای این پروژه ملی، تولید و توزیع غذا در کوبا بدون نیاز به وسایل حمل و نقل و نتیجتاً صرفه جویی صد در صدی در مصرف سوخت در این حوزه بوده است.

با توجه به تحول تدریجی سامانه جدید تولید کشاورزی، به نظر می رسد که نهادی بومی و متناسب با فرهنگ، اقلیم و امکانات موجود برای کشاورزی در کوبا شکل یافته است. در این راستا، دولت خود را موظف به ایجاد زیرساخت های مورد نیاز و تامین وام های کم بهره کرده است. سامانه جدید متنوع و انعطاف پذیر است، کما اینکه تکنولوژی و دانش لازم برای تولید غذا در فضاهای بسیار کوچک، مثل بالکن و حیاط منازل، روی دیوارها و در مزارع کوچک شهری در اماکن عمومی و پشت بام خانه ها، ترویج می شود. مزارع کوچک شهری غالباً به ثبت رسیده اند و تحت نظارت شهرداری فعالیت می کنند. مروجین کشاورزی شهری در مورد فناوری های مناسب، کودهای زیستی، روش های تبدیل زباله به کمپوست و بازیافت انواع ضایعات شهروندان را راهنمایی می کنند. دولت از فعالیت های تحقیقاتی و نوآوری در تکنولوژی مرتبط با کشاورزی شهری نیز حمایت می کند. فروش محصولات خوراکی در محل تشویق می شود. بازارچه های محلی و بازارهای روز نیز برای عرضه انواع محصولات مزارع شهری به وجود آمده است. یارانه دولتی برای تسهیل پرداخت اجاره بهای غرفه عرضه محصولات در این بازارها برای کشاورزان کم درآمد تر در نظر گرفته شده است.

ایجاد تشکل های صنفی و شبکه سازی بین سازمان های مردمی و دولتی لازمه موفقیت توسعه کشاورزی محلی و مقیاس کوچک است. تشکل های صنفی و شبکه های سازمانی ای که تولید کنندگان، مصرف کنندگان و خریداران بزرگ بخش دولتی و نیز سازمان های دولتی ارائه کننده خدمات آموزشی و ترویجی را در بر می گیرد، بخش مهمی از نهاد بومی جدید کشاورزی در کوبا است که به سرعت جایگزین نهاد فراملیتی کشاورزی شده است. ایجاد تشکل ها و شبکه ها نه تنها در امر ارائه خدمات دولتی، بازاریابی و فروش محصولات، بلکه در تسهیل بهره برداری مشارکتی از منابع نیز ضروری است. به این منظور «انجمن ملی کشاورزی شهری»¹⁰⁰ از سوی وزارت کشاورزی کوبا تشکیل شده تا با تشویق و امکانپذیر کردن همکاری ها و آموزش های بین

گروهی از یک سو و ارائه خدمات دولتی از سوی دیگر توسعه بیشتر کشاورزی شهری را سامان دهد.

توسعه کشاورزی شهری در کوبا نتایج درخشانی داشته است. بهبود تغذیه و امنیت غذایی با افزایش دسترس تمامی اقشار مردم به سبزیجات و میوه جات تازه فراهم شده است. متداول شدن کشاورزی طبیعی با بهره گیری از کود کامپوست (به جای کودهای شیمیایی) نتایج مطلوبی چون پایین آمدن قیمت غذا، ایجاد اشتغال، افزایش مشارکت هم جانبه مردمی و نیز بالا رفتن آگاهی مردم در مورد تغذیه سالم و ضرورت تولید و مصرف محلی محصولات غذایی برای دستیابی به تغذیه سالم را در پی داشته است. کشاورزان شهری در مورد سیاستگذاری ها خوشنودند و قوانین و خدمات دولتی را بهنگام و جامع توصیف می کنند. تعداد مشاغل به وجود آمده، طیف و حجم محصولات برداشت شده و تنوع پروژه هایی که آغاز شده چشمگیر است.

در اجرای سیاست های دولت، توجه ویژه به نظارت، تبیین اهداف در سطح ملی و محلی، و نیز ترسیم چشم اندازهای لازم در زمینه تولید، بهره برداری از منابع و توسعه اجتماعی و اقتصادی مشهود است. به زبان آمار، بهره برداری مولد از 50 هزار هکتار زمین بلا استفاده شهری و تبدیل آن به 383 هزار مزرعه نتیجه تلاش ملت و دولت کوبا برای ایجاد نهاد بومی کشاورزی است. از این مساحت بیش از یک و نیم میلیون تن سبزی و صیفی به دست آمده است، با بازدهی معادل با 20 کیلو گرم غذا در هر متر مربع در سال. در شهر هاوانا و ویاکلارا بیش از 70 درصد سبزیجات و صیفی جات مصرفی شهروندان از مزارع درون شهری به دست می آید.^{101 102}

جدول زیر¹⁰³ روند رو به رشد بازده تولید کشاورزی و روند رو به کاهش استفاده از نهاده های شیمیایی در کوبا را نشان می دهد.

محصول	درصد تغییر در تولید		درصد تغییر در استفاده از نهاده های شیمیایی
	از 1988 تا 1994	از 1988 تا 2007	از 1988 تا 2007
سبزیجات و صیفی جات	-65	+145	-72
حبوبات	-77	+351	-55
محصولات ریشه ای	-42	+145	-85

احیای ذخایر ژنتیکی، محور پیشرفت بومی

برای کاهش نفوذ نهاد فراملیتی کشاورزی و تعدیل خسارات آن، احیا و تقویت ذخایر زیستی کشورها (مشخصاً گونه های بومی زراعی، باغی و دامی) و دانش بومی مرتبط با کشت و پرورش آنها موضوعی راهبردی است. این مهم، نه تنها از لحاظ اقتصادی و بهداشتی، بلکه از نظر امنیتی و سیاسی دارای اولویت بالایی است. قدرت های بزرگ با اهداف زیاده خواهانه و سلطه جویانه، جوامع کهن را از میراث زیستی خود محروم کرده اند چون می دانند که تا زمانی که این جوامع با اتکا به منابع و دانش محلی خود توانایی سیر کردن و سالم نگهداشتن خود را دارند، تسلط دائمی بر آنها غیر ممکن است.¹⁰⁴ به همین سیاق، برای حفاظت از خودتکایی و امنیت غذایی جوامع، گردآوری و احیای بذره های بومی گامی بنیادین برای پیشرفت بومی در جوامع کهن است.

بذره های بومی حاصل قرن ها تلاش نیاکان بشر در اصلاح ارقام زراعی است. بسیاری از این ارقام در مقابله با آفات و سازگاری کامل با محیط در نوع خود بی نظیرند. انقراض این ذخایر ژنتیکی بشر ضایعه ای حقیقتاً جبران ناپذیر است. همزمان با گسترش بذره های اصلاح شده، مراکز و وابسته به نهاد فراملیتی کشاورزی به عنوان بانک های بذر بومی در کشورهای مختلف دنیا به وجود آمدند که در دهه 1970 در زیر چتر سازمانی موسوم به «سیگار»،¹⁰⁵ با سرمایه گذاری کلان از سوی بانک جهانی و دولت های غربی سازماندهی شدند. این مراکز با نام هایی چون «سیمیت»¹⁰⁶ (در مکزیک)، «ایکاردا»¹⁰⁷ (در سوریه)، «ایکریست»¹⁰⁸ (در هند)، و چند مرکز دیگر در هشت کشور دیگر جهان شروع به جمع آوری بذره های بومی کردند. این مراکز در عمل مواد اولیه تولید بذره های اصلاح شده (و هم اکنون بذره های تراریخته) را از محل میراث ژنتیکی کشاورزان در کشورهای کهن جهان تامین می کنند. به تقلید از این مراکز، سازمان های مستقلی نیز در دیگر کشورهای جهان برای گردآوری بذره های بومی به وجود آمده است. اما تجربه نشان داده که کارایی این بانک ها، به لحاظ هزینه بالا¹⁰⁹ محدود بوده است. لازمه نگهداری بذره های ذخیره شده کشت و تکثیر دوره ای آنهاست. در غیر این صورت، قوه نامیه (توانایی جوانه زدن) بذرها¹¹⁰ به مرور کاهش می یابد و از بین می رود.¹¹¹ لذا حفاظت واقعی از بذره های بومی و پیشگیری از انقراض آنها وقتی به طور مطمئن صورت می گیرد که به دست کشاورزان کاشته، تکثیر و برای کشت مجدد ذخیره

گردد.¹¹² علاوه بر خارج شدن فرآیند کاشت، تکثیر و ذخیره بذرهای بومی از کنترل کشاورزان بومی، خطر دیگری نیز این بذرهای ارزشمند را تهدید می کند و آن ترویج بذرهای تراریخته در کشاورزی جهان است. انتقال آلودگی ژنتیکی از راه گرده افشانی از گیاهان دستکاری شده به گیاهان دستکاری نشده از جمله مسایل بغرنج کشاورزی در کشورهاست.¹¹³ بی شک، این نوع آلودگی ژنتیکی تهدیدی جدی برای اصالت بذرهای بومی جهان است.

از این رو اعضای سازمان های مردمی مثل «بذر تنوع»¹¹⁴ (در کانادا)، «انجمن تبادل کنندگان بذر»¹¹⁵ و «بذر تغییر»¹¹⁶ (در آمریکا) که به اهمیت راهبردی حفاظت از تنوع ذخایر زیستی کشاورزی کشور خود آگاه شده اند و آن را به لحاظ سیاست های نامعقول ملی و بین المللی مرتبط با نهاد فراملیتی کشاورزی در خطر انقراض می بینند، اقداماتی برای احیا، کشت و تکثیر بذرهای اصیل خود را آغاز کرده اند. موفقیت سازمان «بذر تنوع»، که انجمنی متشکل از کشاورزان خرد، دانشگاهیان، باغچه کاران خانگی و تولیدکنندگان بذر است، در احیا و تکثیر بذرهای بومی به حدی بوده که در تفاهم نامه ای، دولت کانادا، کشت ده ها هزار بذر موجود در بانک ژن آن کشور را برای حفظ نیروی نامیه آنها در اختیار این انجمن قرار داده است. اطلاعات بیشتر در مورد فعالیت های اینگونه سازمان ها در صفحه «تلاش های مردمی» در سایت در خدمت اصلاح الگوی مصرف به آدرس اینترنتی زیر آمده است:

www.eabbassi.ir/independentresearchsavingheirloomspoularefforts.htm

در این بخش از مقاله حاضر به طور مفصل تری به معرفی فعالیت های سازمانی به نام بنیاد سبز¹¹⁷ واقع در منطقه تامیل نادو¹¹⁸ در جنوب کشور هند که یکی از مصادیق موفق تلاش برای گردآوری، تکثیر و حفاظت از بذرهای بومی در سطح استانی، در منطقه ای که شباهت بیشتری با فرهنگ و اقلیم ایران دارد می پردازیم.

عملکرد سازمان بنیاد سبز در توسعه محلی و احیای نهادهای بومی کشاورزی، نمونه الهام بخشی از اصلاح وضعیت موجود با راهکارهای ریشه ای با تاکید بر ضرورت هم اندیشی و همکاری مردمی و پرهیز از راه حل های مقطعی و جداگانه برای حل مسایل کشاورزی است. بنیاد سبز بر کمک به تامین معاش پایدار روستاییان از طریق بازیابی و کشت مجدد بذرهای بومی منطقه تاکید دارد. این سازمان، همچنین گردآوری، مستندسازی و احیای روش های بومی کشاورزی در منطقه را برای پیشبرد اهداف خود لازم می داند.

احداث مرکز تحقیقاتی و ترویجی سازمان بنیاد سبز در نزدیکی شهر بنگلور بر اساس فعالیت های اجتماعی وسیع این سازمان در منطقه امکانپذیر شده است. این فعالیت ها در پنج گام اجرا شده است:

1) اطلاع رسانی به کشاورزان

فعالان بنیاد سبز با حضور در محافل اجتماعی، چون اعیاد و مراسم فرهنگی/عبادی محلی، کشاورزان منطقه را در مورد دلیل بیابانی شدن اراضی زراعی، ازدیاد آفات نباتی و نتیجتاً افزایش هزینه تولید زراعی آگاه ساختند. ایشان علت ریشه ای این خسارات که همانا معرفی بذرهای اصلاح شده و اجباری شدن استفاده از کود و سموم شیمیایی و نیز مصرف آب زراعی بیشتر است را با کشاورزان محلی در میان گذاشتند.

2) مستند سازی دانش بومی کشاورزان

ایشان سپس به گردآوری اطلاعات در مورد ارقام گوناگون بذرهای محلی، فناوری های بومی مقاوم سازی کشت در برابر امراض و آفات، کنترل آفات، پیش بینی آب و هوا، طب محلی، روش های حفاظت از ذخایر ژنتیکی، روش های تامین امنیت غذایی، دیدگاه های معنوی و اعتقادات روحانی، داستان های محلی و رسومات و فرهنگ ایلی پرداختند.

3) تشویق کشاورزان منطقه به امتحان مجدد بذرهای بومی

کشاورزان سالمند، به لحاظ سابقه دیرینه در کشاورزی، معمولاً از برتری کیفی و بهره وری بالاتر بذرهای بومی آگاه اند. اما کشاورزان جوان تر معمولاً در جایگزین کردن کامل کشت خود از یک نوع بذر به بذر دیگر احتیاط می کنند. لذا تشویق به کشت آزمایشی بذرهای بومی در بخش کوچکی از زمین زراعی گامی لازم برای جلب اعتماد کشاورزان جوان منطقه بوده است. توجه مستمر و کمک مروجین تحصیلکرده بنیاد سبز به کشاورزان، همراهی کردن با آنها در آماده سازی زمین و بذرها به روش سنتی، و ارائه توضیحات علمی در تبیین چرایی و چگونگی مؤثر بودن این روش ها در برداشت محصول بهتر، کشاورزان جوان را به مرور به درستی و توانایی روش های بومی سرزمین خود مطمئن ساخته است.

4) ایجاد تشکل های محلی جدید و احیای تشکل های قدیمی

فعالان سازمان بنیاد سبز دریافته اند که نهادهای اجتماعی در جامعه سنتی منطقه نقش عظیمی در کارآیی و استمرار نظام کشاورزی بومی در گذشته داشت. برای مثال، در گذشته گروه های یاریگری بومی به نام سانگا¹¹⁹ متشکل از 15 تا 25 عضو (غالباً زن) وجود داشت که در مورد انتخاب نوع محصول، ارقام بذر و میزان کشت با کمک هم تصمیم گیری می کردند. احیای این تشکل سنتی برای گردآوری و احیای بذره های بومی الزامی بوده است. اعضای کنونی سانگاها به صورت تعاونی عمل می کنند و از یک انبار برای ذخیره سازی و نگهداری بذره های خود به روش سنتی استفاده می نمایند.

5) شبکه سازی برای اطلاع رسانی و کسب خبر بین روستاییان منطقه

خبرنامه های محلی و استانی سازمان بنیاد سبز، اطلاعات مربوط به جمع آوری بذرها، روش های سنتی آماده سازی و نگهداری آنها و دیگر تجارب مرتبط با بهره برداری از ذخایر ژنتیکی منطقه را به صورت مکتوب در سطحی وسیع در داخل کشور منتشر می کند. بنیاد سبز همچنین با انتشار گاهنامه ای دستاوردها و اطلاعات بدست آمده را در سطح ملی و بین المللی منتشر می کند.

علاوه بر همکاری نزدیک با قشر کشاورز، بنیاد سبز با طراحی مسابقات «حفاظت از تنوع زیستی» در مدارس به اشاعه آگاهی در مورد اهمیت دانش و روش های بومی پرداخته است. دانش آموزان ابتدا با تماشای اسلاید و شنیدن داستان ها و شعرهای محلی با ضرورت حیات تنوع زیستی در کشاورزی و تولید غذا آشنا و سپس تشویق می شوند که از طریق گفتگو با بزرگان آبادی و پیران فامیل در مورد راه و روش کار و زندگی در گذشته بیاموزند.

فعالان سازمان بنیاد سبز سرفصل های موضوعی زیر را برای جهت دادن به پژوهش غیر رسمی دانش آموزان پیشنهاد کرده اند: طب انسان و دام، گونه های گیاهی و جانوری وحشی، ابزار کشاورزی، ارقام بذره های بومی و مثل ها و داستان های محلی. این مسابقات نتایج پژوهشی و اطلاع رسانی چند جانبه ای داشته است: یکی اینکه دانش آموزان و خانواده های آنها به ارزش کاربردی و علمی دانش سنتی خود واقف شده اند. دیگر اینکه چون دانش آموزان مدارس در روستاهای مختلف زندگی می کنند، اطلاعات متنوع به دست آمده فرصت بررسی قیاسی روش های بومی در نقاط مختلف جغرافیایی را فراهم کرده است. سوم اینکه معلمان این مدارس، همراه با دانش

آموزان، نسبت به ارزش علمی دانش بومی آگاهی کسب می کنند و در نتیجه تشویق می شوند که در تعصبات خود در مورد «عقب ماندگی» و «خرافی» بودن این روش ها که از القائنات تحصیلات رسمی آنهاست تجدید نظر نمایند.

از کلیدی ترین فعالیت های توانمند سازی محلی بنیاد سبز ایجاد «دفاتر ثبت تنوع زیستی محلی»¹²⁰ است. اگر چه در نهاد فراملیتی کشاورزی بذرهای بومی ناکارآمد معرفی می شود، اما شرکت های بزرگ تولید بذر از این ذخایر ژنتیکی جوامع کهن بسیار استفاده و سوء استفاده کرده اند. عدم آگاهی مردم در جوامع کهن در مورد ارزش عظیم علمی و اقتصادی بذرهای بومی یکی از دلایل اصلی رخداد این سوء استفاده بوده است.¹²¹ تدوین دفاتر ثبت تنوع زیستی محلی، تلاشی نوآورانه از سوی سازمان بنیاد سبز برای آگاه کردن مردم منطقه از ارزش بذرهای بومی و ضرورت حفاظت از آنهاست. در 32 روستای منطقه تامیل نادو «کمیته های حفاظت از تنوع زیستی»¹²² تشکیل شده و خطر احتمالی سرقت زیستی¹²³ و خسارات اقتصادی ناشی از آن برای کشاورزان توضیح داده شده است.

سرفصل های موضوعی عمده در این دفاتر که هر یک به نوعی به ذخایر زیستی منطقه مرتبط است، منابع تجدیدپذیر انرژی، گیاهان طب سنتی و ترکیبات دارویی، مهارت ها و حرفه های بومی، و روش های سنتی کشت و زرع را نیز شامل می شود. روش مستند سازی ذخایر ژنتیکی یک روستا بدین ترتیب است که نقشه ای از منابع طبیعی روستا، از جمله آبراه ها، مراتع، جنگل ها و مزارع روستا کشیده می شود. سپس با گردآوری اطلاعات بیشتر در خصوص سرفصل های بالا سیاهه ای از گونه های جانوری و گیاهی مرتبط تهیه می شود. در این فرآیند مشارکتی و مبسوط گردآوری اطلاعات، روستاییان جوان عمیقاً درک می کنند که زندگی آنها تا چه حد با گیاهان و جانوران بومی منطقه گره خورده است. ایشان همچنین می آموزند که در دنیای امروز در ارتباط با این ذخایر ژنتیکی چیزی به نام حقوق مالکیت معنوی وجود دارد که متعلق به آنان است و می باید از آن در برابر سرقت زیستی هوشیارانه پاسداری شود.¹²⁴

● مورد شهری - شهر سنت لوئیس، ایالت میزوری، آمریکا

ترویج کشاورزی برای ایجاد فضای سبز مولد و آموزش الگوی بهتر مصرف به

شهروندان

توسعه صنعتی در کشاورزی، که در سراسر جهان موجب تضعیف فرهنگ مشارکت و حذف نفرت در کشاورزی و مهاجرت روستائیان به شهرها و نتیجتاً تضعیف جمعیتی یا تخلیه کامل روستاها شده، مشکلات عدیده ای در شهرها نیز به وجود آورده است. مشکلاتی چون اختلاف فاحش طبقاتی، فقر، گرسنگی، اعتیاد، افزایش جرائم و نا امنی های اجتماعی، ازدحام و آلودگی شدید هوا در شهرهای بزرگ جهان عمومیت دارد. برخی از شهروندان متعهد و خوشفکر دنیا برای تعدیل این مسایل و ضمناً تقویت امنیت غذایی در شهرها، به کار بست مهارت های زراعت و باغبانی و بهره برداری از منابع آب و خاک شهری رو آورده اند. در این راستا، سازمان های مردمی با مشارکت سازمان های دولتی به ترویج باغچه کاری و ایجاد فضای سبز مولد در سراسر شهر، به ویژه در محله های کم درآمد، اقدام کرده اند. هدف اعلام شده این سازمان ها ایجاد امنیت غذایی، حفظ سلامت در میان اقشار کم درآمد جامعه، ایجاد شغل، مبارزه با نا امیدي در قشر جوان و تقویت فرهنگ مشارکت و نودوستی است. یکی از سازمان های مردمی که به این اهداف دست یافته «دروازه آبادانی»¹²⁵ نام دارد و در شهر سنت لوئیس ایالت میزوری آمریکا فعالیت می کند.

دروازه آبادانی در سال 1984 میلادی به دست دو بانوی شهر سنت لوئیس بنیان گذاشته شد. هم اکنون دروازه آبادانی به صورت یک نهاد بومی اثرگذار تلاش های فردی و جمعی صدها داوطلب را در محله ها و مدارس این شهر برای تامین غذای سالم با قیمت مناسب، تبدیل فضای سبز شهری به فضای سبز و مولد شهری و آموزش مهارت های پرورش گیاهان به بی خانمانان و قربانیان اعتیاد را با هم هماهنگ می کند. چندی از برنامه های این سازمان را در زیر معرفی می کنیم. ارتباط انسانی بین شهروندان، هم افزایی، و ترویج فرهنگ مشارکت از جمله ویژگی های نهادسازی بومی است که در این نمونه شهری، به دست مردم و با مشارکت مسئولین شهرداری، مقامات آموزش و پرورش و دیگر نهادهای دولتی شهر سنت لوئیس امکانپذیر شده است:

1) باغچه های محله: مزارع کوچک در محله های کم درآمد

هم اکنون بیش از 200 باغچه شهری از خدمات آموزشی و حمایتی سازمان دروازه آبادانی بهره می برند. با راهنمایی این سازمان و همکاری شهرداری، زمین های بایر در سطح شهر که غالباً به زباله دانی یا محل فعالیت باندهای فروش مواد مخدر بدل شده، در هر مساحتی که باشد، به مکانی مولد، سبز و پاکیزه برای تولید غذا تبدیل می شود. ایجاد باغچه های محله مکانی مناسب برای ترویج دانش تبدیل زباله شهری به کود، راه های صرفه جویی در مصرف آب و دیگر منابع مشترک و روش های دستیابی به بهداشت و تغذیه برتر در خانواده ها را نیز فراهم آورده است. افزون بر این، حضور مردم در این اماکن فرصت فروش مواد مخدر و شرارت را از گروه های خلافکار گرفته است.

2) مزارع متوسط

سرمایه گذاری و برنامه ریزی لازم برای ایجاد مجموعاً 6 مزرعه متوسط در سطح شهر انجام شده و تا کنون 2 پارچه از آنها احداث گردیده است. نقش این مزارع ارائه خدمات آموزشی به و حمایت های ابزاری از شهروندانی است که در محله های حومه آن به احداث باغچه همت گماشته اند. این شهروندان به مزارع متوسط شهری مراجعه می کنند تا:

- از راهنمایی مروجان زراعت شهری برخوردار شوند.

- در کارگاه های آموزشی شرکت کنند.

- ابزاری که خود ندارند را به عاریه بگیرند.

- بذر تهیه کنند.

- با دیگر باغچه کاران شهری تبادل تجربه کنند.

3) مزرعه بزرگ شهر برای آموزش، بازپروری و تولید وسیع تر

داوطلبان سازمان دروازه آبادانی، زمین وسیعی از اراضی متعلق به شهرداری سنت لویس را به مزرعه ای بزرگ بدل کرده اند. این مزرعه شامل 48 کرت وسیع برای کشت سبزیجات و صیفی جات، یک آب انبار برای استحصال آب باران، محلی برای گردآوری زباله شهری و تبدیل آن به

کود کمپوست، باغ میوه، یک نهالستان برای پرورش و توزیع گونه های بومی منطقه، کندوهای زنبور عسل و سیستم آبیاری قطره ای است. بخشی از محصولات این مزرعه با قیمت مناسب در بازارچه ای محلی به عموم عرضه می شود و بخش دیگری از آن به مؤسسات عام المنفعه که از بیماران مبتلا به امراض سخت درمان مراقبت می کنند اهدا می گردد. علاوه بر تولید غذا، این مزرعه همچنین مکانی برای آموزش عملی مهارت های پرورش گیاهان به بی خانمانان و قربانیان اعتیاد و ایجاد امید جدید به زندگی، کار، تلاش و کسب درآمد است. پس از تکمیل این آموزش ها، هنرآموزتگان در مشاغل سبز، از جمله باغچه کاری برای شرکت های گل و گیاه و فروشندگی در فروشگاه های لوازم باغچه بانی، مشغول به کار می شوند.

4) باغچه کاری در مدارس: فرصتی برای یادگیری علوم طبیعی و مهارت های اجتماعی

با همکاری مسئولین آموزش و پرورش شهر، دروازه آبادانی به تجهیز 60 مدرسه شهر به باغچه های آموزشی کمک کرده است. باغچه کاری در مدارس، علاوه بر آموزش علوم طبیعی، به نونهالان، نوجوانان و جوانان کمک می کند تا بهره مند شدن از ثمره تلاش فردی و گروهی در جامعه را شخصا تجربه کنند. رقابت بین دانش آموزان در کلاس های درس معمولا مجال تجربه اندوزی در هم اندیشی و همکاری را به کودکان و نوجوانان نمی دهد. اما در احداث و نگهداری از یک باغچه به صورت مشارکتی، شخصیت های در حال شکل گیری این دانش آموزان به سوی تفاهم، آشتی، آرامش و دوستی سوق داده می شود. این باغچه ها معمولا با آموزش های مقدماتی از سوی دروازه آبادانی شروع می شود و سپس با مسئولیت معلمان، دانش آموزان و اولیای آنها ادامه می یابد.¹²⁶

● مورد روستایی، روستای خورهه محلات، جمهوری اسلامی ایران

احیای فرهنگ مشارکت در روستا با آموزش مدیریت مشارکتی، راهکاری کارآمد و عملی

تجربه تحقیقاتی و اجرایی در روستای خورهه شهرستان محلات (1380-1377)¹²⁷ نشان داد که از طریق تقویت توانمندی های اجتماعی و فکری روستاییان، راه برای رشد و تکامل نهادی بومی

که متناسب با نیازها و استعدادهای توسعه کشاورزی امروز ایران باشد فراهم می آید. در روستای خورده، با حمایت مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی و معاونت ترویج جهاد سازندگی، فعالان محلی و پژوهشگران سازمانی توانستند با مطالعه شیوه های مدیریت مشارکتی ستی و دانش بومی کشاورزی، بستر اجتماعی و علمی مساعد برای شکوفایی اقتصادی این روستا را فراهم کنند. دستاوردهای علمی و عملی این طرح، مهارت های لازم برای تسهیل و تکرار همین حرکت در دیگر روستاهای کشور را تبیین کرده است.

گام اول این رویکرد بومی در پیشرفت روستایی، تشخیص آگاهانه فعالان دولتی و روستایی این طرح در لزوم فاصله گرفتن از الگوهای رفتاری رقابتی تعریف شده نهاد فراملیتی کشاورزی بود. به این معنی که مرکز تحقیقات روستایی آگاهانه انتخاب کرد که اهالی روستا را به عنوان همکاران پژوهشی خود بپذیرد و نیازهای تحقیقاتی روستا را برای تعیین اولویت های سازمانی خود بنا قرار دهد. تا این زمان، اولویت های تحقیقاتی این سازمان عمدتاً به تقلید و الگوبرداری از فعالیت های مراکز تحقیقاتی مشابه در دیگر کشورها و پیروی از طرح های پیشنهادی سازمان های بین المللی مشخص می شد.¹²⁸ معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی نیز پذیرفت که به جای اشاعه دولت سالارانه نهاده های شیمیایی و ترویج روش هایی که در متون کلاسیک ترویج سفارش شده است، ترویج دانش بومی و نوآوری های محلی در مبارزه با آفات و حل دیگر مسایل روستایی را نیز از جمله وظایف حرفه ای خود بشناسد.¹²⁹ ادارات ترویج جهاد سازندگی در استان (مرکزی) و شهرستان (محلات) نیز موافقت کردند که خدمات ترویجی خود را با آنچه بهره برداران تقاضا می کنند هماهنگ سازند.

فعالان روستایی این طرح، یعنی اهالی روستای خورده، نیز به نوبه خود پذیرفتند که بر خلاف الگوی رفتاری معمول خویش (یعنی اتکا به خدمات دولتی برای حل کلیه مسایل روستا)، به توان های بالقوه و فرصت های موجود در روستا و مشارکت با یکدیگر در بهره برداری از منابع محلی توجه بیشتری کنند. بدین منظور و برای هماهنگی و همکاری بیشتر اهالی، گروهی مشورتی از خبرگان محلی متشکل از ریش سفیدان و گیس سفیدان دهستان، موسوم به «هیئت مشاوران فنی» روستا تشکیل شد.¹³⁰

با این گام آگاهانه و قاطعانه در کنار گذاشتن الگوهای رفتاری تعریف شده در نهاد فراملیتی کشاورزی، راه برای گام دوم، یعنی انجام پژوهش‌های میدانی با مشارکت اهالی روستا هموار شد. یکی از القائات نهاد فراملیتی کشاورزی، «محرومیت» روستاییان و «نیازمند» بودن کشاورزان به دانش و نهاده‌های خارج از محیط روستاست. پژوهش‌های میدانی زیر، اهالی خورهه را نسبت به دارایی‌ها و توانمندی‌های خود آگاه‌تر ساخت و نتیجتاً از احساس محرومیت و نیازمندی ایشان کاست و افق‌های جدیدی برای کارآفرینی و نوآوری در حل مسایل محلی برای ایشان گشود.

1) پژوهش در دانش بومی کشاورزی و دامداری

از این جمله، تحقیقات میدانی پیرامون احیای گندم بومی منطقه و کشت قیاسی آن با گندم اصلاح شده و اثبات عینی برتری اقتصادی گندم بومی بر گندم اصلاح شده،¹³¹ احیای مرغداری بومی و تجربه موفقیت آمیز ماکیان داری در جایگاه‌های سنتی با کمترین هزینه (بدون نیاز به سموم شیمیایی و دارو و سرمایه گذاری کلان از طریق اخذ وام بانکی)،¹³² و احیای شیوه‌های محلی و غیر شیمیایی مبارزه با آفات نباتی و دامی برای کاهش هزینه‌های تولید کشاورزی و دامداری،¹³³ انجام شد.

2) پژوهش در منابع و فرصت‌های محلی برای نوآوری در حل مسایل

گردآوری اطلاعات در مورد منابع، امکانات و فرصت‌های محلی برای کاستن از احساس محرومیت روستاییان و تسهیل مشارکت فکری و عملی بین اهالی در جهت نوآوری در حل مسایل محلی به ویژه بیکاری، کمی درآمد و ایجاد دسترس به امکانات آموزشی منطقه از این جمله پژوهش‌ها بود.

3) پژوهش و کسب تجربه در تولید و فروش

کسب تجربه در فعالیت‌های بازاریابی، تولید، توزیع و فروش مستقیم محصولات چوب نان سنتی مرغوب، تولید گوشت مرغ و تخم مرغ سالم، گردآوری و احیای نقشه‌های کهن قالی محلی و بافت سفارشی آنها برای دوستداران قالی محال (محلات)، افزایش تولید انواع لبنیات سالم به ویژه

روغن حیوانی، تولید سبزی خشک و رب انار و لواشک و دیگر خشکبار سالم نمونه ای از این نوع پژوهش بود.

شاید در حال حاضر ترویج پخت نان سنتی و تولید تخم مرغ بومی در روستاها دستاورد قابل توجهی محسوب نشود. اینگونه محصولات روستاهای کشور را هم اکنون می توان به وفور در بسیاری از خواربار فروشی های شهرهای کوچک و بزرگ یافت. لذا لازم به ذکر است که قبل از آغاز طرح خورمه، حتی در خود روستا، کلیه تخم مرغ مصرفی اهالی از بیرون از ده تامین می شد و تخم مرغ محلی در شهر محلات (مرکز شهرستان) نایاب بود. الگوی پرورش مرغ بومی در خورمه برای تولید گوشت مرغ و تخم مرغ سالم، تحولی وسیع و پایدار در منطقه به وجود آورد. امروزه تخم مرغ محلی در اکثر خواربار فروشی های شهرستان محلات موجود است و تولید تخم مرغ محلی یکی از سودآور ترین تولیدات روستایی، نه تنها در خورمه، بلکه در دیگر روستاهای شهرستان (و حتی استان) محسوب می شود. الگوی ایجاد اشتغال با بهره گیری از دانش و امکانات محلی که در خورمه و دیگر روستاهای خوداتکای کشور به ثمر رسید از طریق معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد با انتشار خبرنامه دانش بومی و توسعه (که مطالب آن توسط فعالان طرح خورمه گردآوری و تدوین می شد) به کلیه ادارات ترویج و تحقیقات جهاد سازندگی برای بهره برداری سراسری اطلاع رسانی گردید

مشارکت در این فعالیت های پژوهشی عملی¹³⁴ به جوانان خورمه فرصت داد تا مزایای تمرکز بر کیفیت بالا، تنوع در تولید، ارزش افزوده، و تولید برای بازار محلی و داخلی را عمیقاً درک کنند. ایشان در عمل دریافته اند که با کنار گذاشتن هدف تولید برای صادرات، و به جای آن، توجه به تولید محصولات سالم (محصولات عاری از مواد شیمیایی) می توانند از نیاز به سرمایه گذاری های کلان از طریق وام بانکی رها شوند و با فعالیت های تولیدی کوچک و متنوع و سرمایه گذاری بسیار اندک، درآمدی مناسب و رو به رشد داشته باشند.

4) پژوهش رسومات و مهارت های اجتماعی پیشگیری و حل اختلاف

پژوهش و تقویت سنت های محلی برای تعمیق دوستی و آشتی در جامعه، استفاده از روش تصمیم گیری گروهی با اجماع (نه رای گیری) برای تسهیل هم اندیشی و همکاری در حل مسایل محلی، و

کاربست مهارت های اجتماعی برای پادرمیانی و میانجیگری برای حل اختلاف نیز از دستاوردهای طرح خورمه است.

به طور خلاصه و به زبان علم نهادشناسی، فاصله گرفتن عالمانه از الگوهای رفتاری نهاد فراملیتی کشاورزی و اجرای پژوهش های مشارکتی بالا به اهالی و دیگر فعالان طرح خورمه فرصت داد که مزایای رفتارهای مشارکتی را در عمل تجربه کنند. برای اهالی روستا، به ویژه جوانان، این فرصت ها «دانش مشترک» و ارزش های جدیدی به ارمغان آورد، از آن جمله:

(الف) دانش بومی، دانشی زمان آزموده، تجربی و علمی است که اگرچه بخش عظیمی از آن نانوشته مانده، از لحاظ اقتصادی و زیست محیطی ارزشمند است و باید آن را جست و به کار بست.

(ب) مشکلات همه جا هست و هر مشکلی فرصتی است برای نوآوری و یادگیری، فرصتی برای رشد فردی و اجتماعی.

(ج) خدمت به جامعه یعنی خدمت به خود. تلاش تولیدکننده به منظور تولید کیفی محصولات برای مصرف محلی و داخلی، بازاری مطمئن برای محصولات سالم محلی به وجود می آورد. این بازار، با مشتریان وفادار آن، در برابر واردات کالاهای عموماً ارزان ولی نامرغوب خارجی مصونیت دارد.

(د) روستا کانون تولید است. بدون تولید، روستا از هم می پاشد.

(ه) استمرار کانون های تولید بدون مدیریت ممکن نیست و مدیریت موفقیت آمیز در روستا، مدیریت مشارکتی توسط فعالان اقتصادی همان روستاست.

(و) نوآوری، استعدادی مادرزادی نیست بلکه مهارتی است که همگان می توانند آن را بیاموزند و به کار بندند.

(ز) محروم کسی است که از دارایی ها و فرصت های محیط و استعدادهای خود غافل بماند.

زدودن دیدگاه محرومیت و تقویت خودباوری فرهنگی از طریق پژوهش دانش بومی، و نیز تجربه مزایای مشارکت در بهره برداری از امکانات محلی در روستای خورمه فرصت تبلور حرکتی عمومی در پیشبرد شکوفایی اقتصادی این روستا را فراهم آورد که گام سوم طرح خورمه محسوب می شود. این حرکت چنان جهش چشمگیری در احیای اقتصادی خورمه به وجود آورد که

صاحب‌نظران توسعه روستایی از داخل و خارج از کشور، از دانشگاه‌ها و دیگر روستاها برای بازدید و بررسی نتایج آن به این روستای دور دست سفر کردند. جزییات بیشتر شکوفایی اقتصادی روستای خوره و نمونه‌هایی از نظرات صاحب‌نظران بازدید کننده از آن در صفحات مرتبط با «پژوهش مشارکتی» در سایت «در خدمت اصلاح الگوی مصرف»، به آدرس اینترنتی زیر آمده است.

www.eabbassi.ir/participatoryactionresearchcasestudy_thevillage.htm

● احیای الگوهای اقتصادی-اجتماعی مشارکت

تولید به مصرف واقعی با برپایی بازارهای روز و تشکیل تعاونی‌های تولید به مصرف

همانطور که از چهار مثال بالا معلوم می‌شود، فصل مشترک تلاش‌های مردمی و دولتی در ایجاد نهادهای بومی کشاورزی، احیای ذخایر ژنتیکی محلی و تشویق رفتارهای مشارکتی در میان تولیدکنندگان است. فصل مشترک دیگر این تلاش‌ها احیای الگوهای مشارکت بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برای پایین آوردن ریسک کسب و کار برای تولیدکنندگان و بالا بردن کیفیت محصولات برای رضایت مصرف‌کنندگان است. یکی از این الگوهای مشارکتی، عرضه محصولات کشاورزی از طریق بازارهای روز یا بازارچه‌های محلی است.

این نوع از بازاریابی برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی به مشتریان از جلوه‌های مشترک جوامع زراعی قرون گذشته بوده است. در بازار روز و بازارچه محلی، تولیدکننده خرد، بدون واسطه، قادر به ارائه محصولات خود به مشتریان است. عرضه مستقیم کالا در این بازارها نه تنها از بالا رفتن قیمت‌ها جلوگیری می‌کند بلکه معامله رو در رو با مشتری، تولیدکننده را وادار به حفظ کیفیت کالای خود می‌کند. بررسی دقیق رفتارهای مشارکتی تولیدکنندگان و خریداران در این بازارهای محلی بی‌واسطه، ارزش نهادی این شیوه بومی بازاریابی و فروش را روشن می‌کند:

برای اینکه خرید در این بازارها برای مشتریان جذاب باشد تولیدکنندگان شرکت کننده می‌کوشند که به تعداد فروشندگان و نتیجتاً تنوع محصولات خود بیفزایند. از این رو، تولیدکنندگان از پیوستن تعداد بیشتری از همکاران (دیگر کشاورزان) به بازار استقبال می‌کنند. امروزه در شهرهای بزرگ

جهان، جاهایی که برپایی بازارهای هفتگی عرضه محصولات تازه کشاورزی دوباره متداول شده، مدیران می کوشند که با جذب هر چه بیشتر تولیدکنندگان محلی بر تنوع اقلام بازار خود بیفزایند. این مدیران همچنین با بازدید مکرر از مزرعه تولیدکنندگان، اطمینان حاصل می کنند که کلیه فروشندگان تولیدات خود را عرضه می کنند و کالاهای تجاری و دلالات به بازار راه نمی یابند.

نظارت مدیران بازارهای روز بر اصالت محصولات محلی عرضه شده در بازار موجب می شود که مشتریان بدون واژه از وجود اجناس تقلبی یا وارداتی که ممکن است آلوده به انواع مواد شیمیایی کشاورزی باشد از بازار روز خرید کنند. در این بازارهای سنتی، رفتار مشارکتی خریداران نیز در مسیر تشویق و توسعه بازار هماهنگ می شود. مشتریان بازارچه های محلی اگر چه با هم ارتباط صنفی ندارند، هر یک مستقلاً خرید تره بار خود را به تاخیر می اندازند تا در روز برپایی بازار، کلیه محصولات تازه مورد نیاز خود را مستقیماً از تولیدکنندگان بخرند تا به سهم خود از کشاورزان خرد و کسب و کار ایشان حمایت کرده باشند. مشتریانی که از محصولات سالم و تازه بازارهای روز رضایت کامل دارند معمولاً به همسایگان و همکاران در مورد کیفیت بالای این محصولات تعریف می کنند و آنان را، بدون اینکه از سوی فروشندگان سفارش شده باشند، به خرید از بازار روز ترغیب می کنند.

برتری کیفی محصولات غذایی خریداری شده فقط یکی از دلایل رونق مجدد این نهادهای اقتصادی محلی در دنیای امروز است. دلیل دیگر این است که وجهی که مصرف کنندگان در جامعه محلی صرف خرید غذا می کنند در محل باقی می ماند و اقتصاد محلی با خریداری اجناس وارداتی از دیگر نقاط کشور یا جهان، فرصت های تولید و کارآفرینی محلی را از دست نمی دهد. این رونق اقتصاد محلی نه تنها برای تولیدکنندگان محلی مطلوب است بلکه چون به میزان تقاضای مردم (به علت قدرت خرید بالاتر) می افزاید، برای کسبه محل نیز رونق بیشتری به همراه دارد. به علت استقبال گسترده مردم و کارآیی اقتصادی عرضه مستقیم محصولات کشاورزی به مصرف کننده از طریق بازارهای روز، تعداد این نهادهای محلی در 8 سال گذشته در آمریکا بیش از 4 برابر شده است. در سال 1994 تعداد این بازارها در حدود 1700 باب گزارش شد، اما گزارش وزارت کشاورزی آمریکا در ماه اوت سال 2011 این رقم را نزدیک به 7200 اعلام کرد.¹³⁵

تعاونی های تولید به مصرف کشاورزی، نهاد مشارکتی دیگری است که توسط کشاورزان و مصرف کنندگان علاقمند به محصولات تازه و سالم کشاورزی به وجود آمده است. در سال های اخیر، نوعی ویژه از تشکلات تولید به مصرف محلی با نام «تعاونی حمایت از کشاورزی محلی»¹³⁶ رشد چشمگیری داشته است. در این شیوه، گروهی از مصرف کنندگان که در مجتمعی مسکونی، محله یا محدوده جغرافیایی کوچکی زندگی می کنند، با یکی از کشاورزان حومه یا درون شهر قرارداد می بندند. مصرف کنندگان و کشاورز در زمستان، پیش از آغاز فصل زراعی، گرد هم می آیند و محصولات مورد نظر خود را انتخاب و کل هزینه های کشت، داشت و برداشت را محاسبه می کنند. بر اساس توافق بین طرفین، مشتریان تمامی یا بخشی از هزینه ها را به کشاورز پیش پرداخت می کنند و در ازای این پرداخت، کشاورز متعهد می شود که در طی فصل زراعی، هفته ای یکبار، سبزیجات، صیفی جات و دیگر اقلام مورد توافق طرفین را برای حامیان مالی خود فراهم کند. شیوه تحویل محصولات، بسته به فاصله بین محل اقامت مشترکین و مزرعه، متفاوت است. گاه مشتریان خود برای تحویل محصولات به مزرعه می روند و گاه کشاورز محصولات آماده را در مکانی مشخص در شهر تحویل می دهد. در برخی موارد، توافق بین کشاورز و مشترکین شامل کار در مزرعه است که در آن صورت، علاوه بر مهیا کردن محصولات تازه، روزی توأم با کار و تفریح در محیط مصفاای مزرعه نیز نصیب خانواده های عضو می شود.

دلیل استقبال کشاورزان از تشکیل تعاونی های حمایت از کشاورزی محلی این است که ایشان را از دغدغه هایی که تاریخا خاطر کشاورزان را به خود مشغول می داشته رها می کند. در این ساختار، کشاورز و مشتریان هر دو ریسک ضرر و زیان را به عهده می گیرند. چنانچه بر اثر آفات یا بلایای طبیعی بخشی از محصول از میان برود، کشاورز هستی خود را به علت عدم توانایی او در بازپرداخت وام کلان بانکی از دست نمی دهد. از سوی دیگر، خانواده ها نیز مطمئن اند که در طی سال زراعی از خوراکی های کاملا سالم و تازه برخوردار خواهند بود. در بسیاری از این تشکلات، مشترکین زباله های گیاهی آشپزخانه های خود را نیز برای تبدیل به کود کامپوست به مزرعه منتقل می کنند. نتیجتا با استفاده از این نهاد محلی، نه تنها نقدینگی در اقتصاد محلی باقی می ماند، بلکه بخشی از مواد آلی خاک مزرعه که به صورت محصولات زراعی از محیط مزرعه خارج می شود دوباره به آن بر می گردد. بر اساس شمارش یک پایگاه اطلاعاتی مرتبط، هم اکنون در آمریکا بیش از 4000 گروه از این نوع تعاونی تولید به مصرف کشاورزی به فعالیت مشغول اند.¹³⁷

متن کامل این گزارش پژوهش جامع طی چندین شماره در ماهنامه سنبله، از شماره 220، خرداد ماه 1391، به چاپ خواهد رسید. برای دریافت متن اصلی منابع مورد استناد این گزارش و یا انجام پژوهش جامع در حوزه علمی مورد علاقه خود با ما تماس بگیرید.
www.eabbassi.ir

www.eabbassi.ir